

کارگران همه کشور متحد شوید!

درد و بر کنفرانس ملی حزب توده ایران!

... و چنین بود که شب دشنه زهر آکین را
بدر آورد و هزاران اخگر
از شطلمنهب و سرخ افق گشت جدا
و چنین بود و ... چنین ...
لیکن اکنون صدها اخگر به خاک فرو افتاده
باز بر می خیزند
تا بیاباویزند
تا ج آراسته با سرخی خون را چون گل
هر سر و گردن نهادار افق
و در این جشن هرگز
که بنام همه یاران به خون خفته بیامی سازند
همچنان دلتنگند
زان که یاران دگر در پندند

"جشن سرخ پیوستن" عنوانی بود بر شعری که
خواندید از رفیق بهروز ... دربارہ تشکیل
کنفرانس ملی رفیق بهروز از تشکیل کنفرانس به
مثابه "تولد دوباره" حزب یاد کرده است.

پیام گروهی از رفقای ایران به کنفرانس ملی حزب

با درود به شهدای حزب کمونیست و حزب
توده ایران از لحظه زایش جنبش کمونیستی و
کارگری در میهنمان تا واپسین روزهای دشوار گذار
انقلاب!

با درود بر شهدای سازمان بهادر - سازمان
فدائیان خلق ایران اکثریت - و دیگر شهدای راه
"استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی!"

با درود به همه زندانیان سیاسی انقلابی،
این نستوه زنان و مردان راه رهایی خلق!

با درود به رفقای کمیته مرکزی حزب توده
ایران، این پایه ریزان کنفرانس ملی حزب و دیگر
رفقای شرکت کننده در کنفرانس!

رفقای ارجمند!

تاریخ حزب توده ایران، تاریخ فرازهای
جنبش کارگری ایران، در سال (۲۵-۲۲)، (۲۲-
(۲) و تداوم این نهضت تا سالهای پس از انقلاب
۵۷ است که خود از چشمه زلال پیکار خلق قهرمان
میهنمان سیراب شده است. اگر ما حزب توده ایران
را حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران می شناسیم،
پیش از هر چیز و پیش از هر چیز بر همین فرازهای
بقیه در ص ۲

همبستگی جهانی با مردم وزندانیان سیاسی ایران

در هامبورگ کمیته ضد جنگ تشکیل شد

کمیته ضد جنگ خلیج در کلیسای "گناون"
هامبورگ تشکیل شد. در جلسه آغازین این کمیته
بیش از هفتاد نفر از شخصیت های برجسته و
برخی ناظران جنگ ایران و عراق شرکت
داشتند. شرکت کنندگان ادامه جنگ بی
سرانجام را محکوم کردند. یک شاهد عینی از
بقیه در ص ۸

تفرقه افکنی، برترین و کاراترین سلاح دشمن

دستگاه های جاسوسی و سرکوب رژیم، فعالیت خود را با پیکارگیری
ا هزار و وسائل و اشکال و شیوه های گوناگون به نحوی سابقه ای تشدید
کرده اند. رژیم در واقع تلاش می ورزد با برخی تبلیغات و مانورهای
حساب شده، از یکسو چهره پلید و دستان خوریز خود را پنهان کند، از
سوی دیگر زمینه و محلی برای سرکوب هر چه وسیع تر نیروهای انقلابی
فراهم سازد. آزادی گروهی از زندانیان یک روی سکه و تشدید تعقیب و
پیکردها، به جریان انداختن پرونده های "مختومه"، افزایش مراجع
به آدرس های سابق مبارزان تحت پیگرد، احضار بیش از پیش زندانیان
آزاد شده و خانه گردی های وسیع به بهانه دستگیری "قاچاقچی ها" و یا
سربازان فراری، روی دیگر آن است.

در شرایطی رژیم توطئه چینی و دسیسه پردازی علیه نیروهای انقلابی و
در وهله نخست علیه حزب توده ایران را، به منظور سرکوب جنبش
انقلابی در میهنمان تشدید می کند که اوضاع و بقیه در ص ۶



شماره ۱۲۱ دوره هشتم
سال سوم پنجشنبه ۶۵/۷/۲
بها ۲۰ ریال

ناقوس مرگ در مدارس

عاش سیری ناپذیر جنگ سران مرتجع چ ۱۰۰ را
دچار جنون کرده و از جمله وضع نگران کننده ای
برای دانش آموزان کشور بود آورده است. سران
رژیم در ادامه سیاست ضد فرهنگی و ضد آموزشی
خود، نه تنها امکانات تحصیلی و یادگیری صحیح را
از آینده سازان کشور گرفته اند، بلکه با کربیدن بر
طبل جنگ سعی دارند که این عزیزان را بازم طعمه
مقاصد ضد انسانی خود سازند. طبق آمارهای که اکرمی
وزیر آموزش و پرورش داده است، در سال گذشته ۱۲۸
هزار دانش آموز، دانشجو و معلم راهی جبهه های
جنگ شده اند (کیهان، ۲۵ فروردین ۶۵). ولی
مسئله به اینجا ختم نمی شود. رژیم با دست زدن به
حمله های متعدد در جبهه و تحمل تلفات زیاد، بطور
روزافزونی به نیروهای تازه نفس احتیاج دارد.
چ ۱۰۰ با برنامه دقیق و حساب شده ای سیاست جنگ
طلبانه خود را به پیش می برد.

خمینی در نطق خود در تاریخ ۴ فروردین ۶۵
می گوید: "... امروز بر همه کس واجب است که
دفاع کند و هر کس که می تواند باید به جبهه
برود... جوانهای ما باید این جبهه ها را بکنند از
انسانهای قوی که بحمدالله الان بر کرده اند لکن
بیشتر لازم است... این تنها می تواند علامت
تهدید و اجباری برای جوانان کشور باشد، که باید
حتما به جبهه ها گسیل شوند و به قول خود او "جنگ را
در راس تمام امور" قرار دهند. همچنان که از کلام
خمینی بر می آید، هر چه جنگ به درازا می کشد،
مردم از رفتن به جبهه ها بیشتر سرباز می زنند. به
همین دلیل رژیم به تهدید و ارباب دست می زند.
خمینی با این پیام، سند فشار، سرکوب و احجاف را
در حق جوانان کشور امضا کرده است. به دنبال
این پیام از زبان اکثر مسئولان آموزشی و بسیج
مناطق مختلف می شنویم که پیوندهای عمیقی میان
وزارت سپاه و وزارت آموزش و پرورش وجود دارد،
با اقدام مشترکی از سوی این دو وزارتخانه برای
اعزام و بسیج دانش آموزان به جبهه ها صورت
میگیرد. تمام این زبان آوریها، عمق این فاجعه را
بر ملا می کند که سران رژیم با سازماندهی کامل، به
قصد جان نوجوانان کشور برخاسته اند و بدین منظور
بسیج کلیه دانش آموزان را به سپاه پاسداران
سپرده اند.

در قطعنامه ۳۰ سپینار چهار روزه مدیران کل
آموزش و پرورش کشور در اهواز آمده است، "با
بقیه در ص ۲

باز هم مفتریان (۳)

در ص ۴

نابود باد جنگ! زنده باد صلح!

سران چ ۱۰۰ پس از تبلیغ گسترده پیرامون
"حمله سرنوشت ساز"، دیگر بار عملیات نظامی در
جبهه های جنگ را با سر و صدای زیاد آغاز کردند.
اما، چنانکه انتظار می رفت این بار نیز "حمله"
سرنوشت ساز رژیم جز کشتار جمعی عده کثیری از
هم میهنان ما و خرابی مجدد شهرها و روستاها،
نتیجه ای به بار نیاورد. صدای چ ۱۰۰ که روز نخست
حمله، تبلیغات وسیعی را سازمان داده بود، در روز
دوم "حمله سرنوشت ساز" خفقان گرفت و
سختگوییان رژیم، چنانکه انتظار می رفت، برای
حفظ "آبروی خود مانند همیشه اعلام کردند که گویا
این حمله نهائی نبوده است.

بهر حال کشتار در جبهه ها ادامه دارد. طرفین
درگیر، بمباران شهرها را از نو آغاز کرده اند.
حملات تویبهای دور زن و موشکی چ ۱۰۰ به بغداد و
بصره و کرکوک و غیره و حملات هوایی عراق به
اصفهان و تبریز و آبادان و شهرهای مرزی محل تمرکز
نیروهای مسلح ایران، موسسات صنعتی را ویران
کرده است. صدها نفر از مردم بی دفاع قربانی
ادامه این جنگ خانمانسوز شده اند. پدیسنان،
جنگی که شش سال پیش با توطئه امپریالیسم آمریکا
آغاز شد، هر روز فاجعه جدیدی بهار
می آورد.

در اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده
ایران، به مناسبت ششمین سالگرد جنگ ایران و
عراق گفته می شود، "رژیم قرون وسطایی چ ۱۰۰ که
ادامه حیات خود را در گرو ادامه جنگ می بیند،
سیاست نظامی کردن حیات اقتصادی و اجتماعی
میهن ما را در پیش گرفته است. رژیم ادامه جنگ
را وسیله تشدید ترور و اختناق، مخدوش کردن
مهارزه طبقاتی، سرکوب مهارزات حق طلبانه
توده ها، پرکردن جیب سرمایه داران، تجار غارتگر
داخلی و دلان بین المللی اسلحه و احیای مواضع
امپریالیسم قرار داده است. جنگ خانمانسوز نه
تنها نسل کنونی ما را به خاک و خون کشانده، بلکه
هستی مادی و معنوی نسل آینده میهن ما را نیز
تهدید می کند".
بقیه در ص ۲

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

نابودباد جنگ ...

در اعلامیه 'حزب به درستی خاطر نشان می شود که ادامه جنگ به سود امپریالیسم است. در واقع نیز حمله اخیر رژیم در حالی شروع شد که امپریالیسم آمریکا توطئه علیه نهضت های راهائی بخش را در مناطق مختلف جهان تشدید کرده است. توطئه علیه انقلاب ساندینیست ها در نیکاراگوئه، تدارک حمله هوائی مجدد به لیبی، ادامه جنگ اعلان نشده علیه مردم افغانستان، توطئه علیه لبنان و غیره فقط نمونه هایی از سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا پشمار می روند. افزون بر این میلیون ها انسان در سراسر جهان علیه سیاست جنگ افزوزانه امپریالیسم مبارزه می کنند. پیشنهادهای اتحاد شوروی در باره 'پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی هسته ای که موجودیت جامعه بشری را زیر علامت سلوال می برد، الهام بخش جهانیان در مبارزه علیه سیاست واشنگتن در راه صلح و همزیستی مسالمت آمیز است.

در چنین اوضاع و احوالی، رژیم ج.ا. با دست زدن به حمله جدید، کوشید تا مسائل حاد جهانی راتحت الشعاع قرار دهد و به اصطلاح "راه قدس" را بکشاید. در واقع این عمل رژیم از آنجاکه به نوبه خود می تواند افکار عمومی را از معضلات اصلی جهانی منحرف سازد، به سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا یاری می کند. بویژه اگر در نظر بگیریم که همین چندی پیش، سران جمهوری اسلامی، آشکارا کشورهای خلیج فارس را تهدید کردند و امکان کشاندن شعله های جنگ به منطقه را اعلام داشتند. عکس العمل دولتهای خلیج فارس در مقابل این تهدید رژیم ایران، اعلامیه ای بود که پس از اجلاسبه اخیر آنها منتشر شد. در این اعلامیه گفته می شد که تجاوز به هر یک از این کشورها به عنوان تجاوز به همه آنها تلقی خواهد شد.

پوشیده نیست که گسترش جنگ ایران و عراق به دیگر کشورها، یکی از خواسته های امپریالیسم آمریکاست. واشنگتن که بیشترین بهره را از پرافروختن و ادامه جنگ برده و توانسته حضور نظامی خود را در منطقه تحکیم کند، مدتهاست که می کوشد تا موقعیت خود را در کشورهای خلیج فارس تثبیت کند. خطر "صدور انقلاب اسلامی" به این کشورها، مهمترین بهانه واشنگتن در جلب نظر کشورهای منطقه است. بنابراین می توان گفت که سیاست رژیم ج.ا. در این زمینه با استراتژی نظامی آمریکا در منطقه همخوانی دارد.

ادامه جنگ ایران و عراق مانع عمده حل مسائل پفرنج خاورمیانه و از آنجمله مسئله خلق عرب فلسطین است. کشورهای عربی هم اکنون به دو گروه تقسیم شده اند. اگر عربستان سعودی و مصر و برخی از شیخ نشینهای خلیج فارس از عراق پشتیبانی می کنند، لیبی و سوریه طرفدار رژیم ایران هستند. این گروه بندی تفرقه میان کشورهای عربی را در مقابله با امپریالیسم آمریکا و متحد استراتژیک آن اسرائیل، تشدید کرده است.

بدینسان، سیاست ادامه جنگ، که سران مرتجع ج.ا. با اصرار و ابرام در پیش گرفته اند، علاوه بر بهار آوردن فاجعه عظیم چائی و مالی، وضع خاورمیانه و نزدیک را بحرانی کرده و در نتیجه استقلال کشور ما را نیز به مخاطره انداخته است.

درود بر کنفرانس ملی ...

چنپش کارگری چشم دوخته ایم و حق نیز همین است. این چنپش امروز با کمیت و کیفیت قزون تر و رشد یافته تر در آغاز راه کیفیتنا نوینی است - که انجام آن، یعنی آغاز سوسیالیسم.

رفقا!

امروز در کشور ما ایران پیش از هر نبرویا طبقه دیگری، طبقه کارگر و سپس دهقانان پرچم رزم خلق را برافراشته و همچنان برپای نگاه داشته اند. این در حالی است که هنوز دانشکاهیان، بیداری آشکار و مرحله ای خود را آغاز نکرده اند؛ هنوز دانش آموزان سنگر تازه ای نیافته اند؛ هنوز معلمان چنپش اعتصابی خود را سامان نداده اند؛ هنوز تنگ دستان بازار، کرکره های کسب و کار خود را پایین نکشیده اند و هنوز هیچ سازمان سیاسی خاصی نتوانسته است اراده تاریخی خود را در حرکت ویژه ای به نمایش بگذارد، اگر چه پاره ای از این سازمان ها، گه گاه مدعی آن بوده اند...

امارفا!

کارگران قهرمان ایران و دوش به دوش آنان دهقانان - اگر نه سازمان یافته و سازمان ساز - دو سنگر اصلی کارخانه و مزرعه را در جنگ خود نگاه داشته اند و آن گاه که ضرورت بوده است، آنها را با خون سرخ و پاک خویش نیز رنگین کرده اند و هم از همین سنگرها است که چنپش اعتراضی زحمتکشان - حول خواسته های مشخص روزمره از یک سو و چنپش صلح برای مهار عفریت جنگ خانمان سوز از سوی دیگر - نشأت می گیرد. به دیگر سخن طبقه کارگر دارد پیشتازی عینی خود را در عمل مهارزاتی به نمایش می گذارد، در حالی که سازمانگران این طبقه هنوز نتوانسته اند جایگاه واقعی خویش را پیشاپیش آن بپایند.

رفقا! حزب توده ایران، بارها و بارها نشان داده است و پس از این نیز نشان خواهد داد، که شمشیر فاشیسم - از هر نوع و هر شکل آن - هر اندازه آخته تر باشد بر زره روئین حزب طبقه کارگر، کارگر نخواهد شد؛ اگر چه در لحظاتی برق خود را در برق چشمان مست و عریده چوی دشمنان حزب نمایانده است.

رفقا!

ناپودی حزب آرزوی بزرگ دشمنان ماست. آنان از این حزب بسیار زخم برداشته اند و بسیار تلاش کرده اند و می کنند تا این حزب را با خصلت توده ای، دانش مارکسیستی و آرمان انترناسیونالیستی به ناپودی بکشاند. این تلاش را امپریالیسم با همه ابزارهای نظامی، سیاسی، اقتصادی و تبلیغاتی اش کرده، رضاخان و پسرش نیز کردند. خمینی و همراهانش نیز می کنند و دیگرانی

به این جنگ خانمانسوز باید پایان داد. این نیز، چنانکه در اعلامیه حزب تاکید شده، تنها با یک چنپش عمومی و سراسری و با وحدت عمل نیروهای مترقی و دمکراتیک امکان پذیر است. "باید از هر طریق و بهر میزان ممکن برای متوقف کردن و درهم شکستن ماشین جنگی رژیم تلاش کرد. امسال، سال بین المللی صلح و سال همستگی و خروش عظیم همه خلقهای جهان علیه جنگ است. در مفتیین سالگرد جنگ ایران و عراق، فریادهای ناپود پاد جنگ، زنده باد صلح را در سراسر میهن طنین انداز کنیم."

نیز از درون و بهرون، هم کرده اند و هم خواهند کرد. اما حزبی که بر پرچم رزم طبقه کارگر و متحدانش در عرصه ملی و بر اقبانوس بیکران بشریت مترقی و در رأس آن پایبندان انترناسیونالیسم پرولتری در عرصه جهانی و دیگر نیروهای انقلابی چشم دارد و درخت تناورش با خون حیدر و ارانی و روزبه و افضلی و شناسائی و حسین پور و کی منش و هزاران قهرمان دیگر پرورش یافته است، نه از میان رفتنی و نه حتی از این پادها بر خود لرزیدنی است.

رفقا!

ما قانددین فراکسیون جدید را از دیدسه گانه زیر محکوم می کنیم:

۱ - هم سو با اهداف دشمنان، در جهت ناپودی حزب پیش رفته اند.

۲ - هم زمان با ارتجاع استبدادی - مذهبیه حاکم بر ایران ضربه را درست بر رأس حزب - یعنی اعضای کمیته مرکزی آن - وارد ساخته اند.

۳ - به شیوه های فراکسیونبستی در درون حزب دست یازیده اند.

بر همین پایه و بهای خنثی کردن چنپن پدیده هائی است که ما پیش از هر زمان دیگر و درست در جهت پاسخگوئی به حساسیت لحظه وحدت خدشه ناپذیر و هم پیوندی ایدئولوژیک - سازمانی پدنه حزب را با رهبری آرزومند و خواستاریم و بر فشرده گی صفوف حزب تاکید می ورزیم.

پیام گروهی از هواداران حزب در بلژیک

گروهی از هواداران حزب در بلژیک، با درود آتشین به شهدا، زندانیان سیاسی و کمیته مرکزی حزب و تبریک و تهنیت مجدد نسبت به برگزاری کنفرانس ملی که "نشانی ژرف از قامت راست آبدیدگان مبارز میهنان در کوره حزب توده ایران، خزیه طراز نوین طبقه کارگر ایران" است، از جمله نوشته اند:

"کنفرانس ملی حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران در شرایطی بر گزار شد که خائنان به انقلاب و مردم، با هجوم وحشیانه خود به حزب، رویای هرزه قطع ارتباط زحمتکشان میهنان از حزب خویش را، در سر می پروراندند... اما زهی خیال باطل، زهی تصور نابخردانه و زهی شرم بر این بد نشان خیانت پیشه... دشمن حزب ما، دشمن مردم ماست، حزب ما حزب توده ها است و توده ها را هرگز نمی توان تاراند. تاریخ را مردم می نگارند و تاریخ همیشه پیروزمند تر از هر پدیده دیگری خود نموده است. حزب ما اسطوره ای مردمی و تاریخ مجسم مبارزه توده ها در چند دهه اخیر است. ما با تهنیت به حزبمان نغمه های پیروزی های فراوان دیگر را می سراپیم. ما در آینده ای نه چندان دور، در اتحاد زحمتکشان میهنان در حزب واحد طبقه کارگر و با درهم شکستن توطئه های نفرت انگیز امپریالیسم و ارتجاع و ایادی تبهکار آن، سرود صلح را برای مردم داغدار میهنان ارمغان خواهیم برد..."

پیامی کوتاه از یک هسته حزبی:

"رفقا، خور چشمن به ما هم رسید. خیلی خیلی خوشحال شدیم و به همه دوستان تبریک می گوئیم."

درگذشت رفیق علی کباری



با کمال تأسف مطلع شدیم که رفیق علی کباری، کمونیست با سابقه ایرانی و یکی از قدیمی ترین اعضای حزب توده ایران در ۲۶ مهرماه ۱۳۶۴ درگذشته است.

رفیق علی کباری در سال ۱۲۸۱ در شهر رشت متولد شد. در سال ۱۳۰۱ عضو حزب کمونیست ایران گردید. سپس در مهرماه ۱۳۲۰ به عضویت حزب توده ایران درآمد.

او در نخستین کنفرانس ایالتی تهران به عضویت کمیته ایالتی تهران برگزیده شد و ضمن داشتن مسئولیت های گوناگون در عین حال در سال های بیست عضویتت عامه شورای متحده مرکزی کارگران ایران بود.

ما درگذشت رفیق کباری را به همسرش رفیق شوکت کباری، اعضای خانواده اش و دیگر رفقای حزبی صمیمانه تسلیت می گوئیم و اطمینان داریم که نام رفیق کباری بعنوان یکی از پیشکسوتان جنبش کمونیستی ایران جاودان خواهد ماند.

جانی که سبز بجات هم کالای لوکس می شوند

ناپسامانی اوضاع در ایران و ورشکستگی سیاسی خزینی بجائی رسیده که دیگر حتی برخی از مطبوعات ارتجاعی غرب نیز اینچا و آنچا سکوت رضایت آمیز خود را می شکنند و حقایقی چند در اینباره انتشار می دهند. برای نمونه، در شماره ۲۱ ژوئیه "دی ولت"، یکی از مرتجع ترین نشریه های آلمان غربی، می خوانیم: "به گواه ناظران، اوضاع درون کشور و پایتخت روز بروز وخیم تر و شرایط زندگی طاققت فرساتر می شود. نا خوشنودی گسترده حتی فشرهای فقیرتر مردم را نیز در بر می گیرد. آنها دیگر حاضر نیستند در برابر کمپایی مواد غذایی و سرکوبگری پاسداران انقلاب از مقاومت دست بکشند."

"دی ولت" به نقل از یک راننده اتوبوس در تهران می نویسد: "پیش از دو هفته پیش پاسداران می خواستند چندین اتوبوس را از ما بگیرند و به جبهه بفرستند، ما به آنها جواب رد دادیم و وقتی خواستند به زور متوسل شوند، ناگهان عده زیادی دور ما جمع شدند. خیلیها به تهدید پاسداران پرداختند. دوا در گرفت و صدای تیراندازی بگوش رسید. من فرار کردم. بعد شنیدم که چند نفر، از جمله پاسدارها، زخمی شدند. ترس مردم از آنها ریخته است."

روزنامه "آلمان غربی" تأیید می کند که "برای ایرانیها دیگر چیز زیادی نمانده است، که از دست بدهند. برای خرید مواد خوراکی باید ساعتها در صف ماند و تازه معلوم نیست که چیزی نصیب آدم شود. قیمت یک کیلو گوشت ۸۰ تا ۱۴۵ تومان و بهای برنج، غذای اصلی ایرانیها، کیلوئی ۱۰۰ تومان است."

"دی ولت" برای نشان دادن قدرت خرید پول ایران از آمار و ارقام دیگری نیز مدعی می گردد: "عزونی ناناهانه" یک کارگر ۲۵۰۰ تومان است و کارمندان دولت پس از ۱۵ سال خدمت تنها پنج تا بیست و شش تومان در دست دارند."

مستضعفین سپاه پاسداران عمل خواهد کرد. طبقات محوله از طرف بسیج، ستاد جنگ اعلام کرد: "در سال تحصیلی ۶۵ تمام دانش آموزان پسر دوم راهنمائی درسی تحت عنوان آموزش نظامی خواهند داشت، در دو قسمت تئوری و پراکتیک. از این درس امتحان بعمل می آید و نمره اش بانمرات دیگر درسی در کارنامه جمع خواهد شد. به همین منظور ۴ هزار نفر بین مریمان امور تربیتی، معلمان ورزش و معلمان عمومی در تابستان آینده آموزش لازم را می بینند و در کل مدارس بصورت تئوری تدریس خواهند کرد و قسمت عملی در مقرر پادگانها و مراکز نظامی انجام خواهد شد (جمهوری اسلامی، ۶۵/۲/۲۱).

مسئولان آموزش و پرورش کشور بدون توجه به نیازهای واقعی میلیونها دانش آموز در زمینه یادگیری با تلفیق تئوری و پراکتیک و کمبود ۵۰ هزار معلم در سطح کشور و نیاز شدید به مدرسه و آموزشگاه، درس "جنگ" را به مواد درسی دانش آموزان ۱۲ ساله می افزایند و نیروی مریمان و آموزگاران را در راه ارضاء خواستهای توسعه طلبانه سران مرتجع رژیم به هرز می دهند.

از بعد از انقلاب ۱۳۵۷ تا بحال، هیچ یک از وزیران آموزش و پرورش، برنامه ای برای تحول نظام آموزشی، جذب آموزگاران و ریشه کن کردن بیسوادی ارائه نکرده اند. امروز که بیش از ۷ سال از انقلاب بهمن ۵۷ می گذرد، می بینیم که وزیر آموزش و پرورش همراه با دیگر مسئولان کشور تیشه به ریشه آموزش می زنند و دانش آموزان را قربانی هدفهای ضد بشری رژیم می کنند.

از دیگر فعالیتهای جنگ طلبانه رژیم، همانطور که رحمانی در سخنرانی خود گفته است، "انتقال فرهنگ جبهه به مدارس" (کیهان، ۶۵/۲/۷) است. نوجوانان میهن ما باید همانند تمامی نوجوانان جهان، در محیط آموزشی با زندگی اجتماعی، با علم و فرهنگ، با تمدن بشری، با تاریخ و ... آشنا شوند. این دوران، دوران شکل گیری رشد شخصیت آنان است. سران مرتجع جمهوری اسلامی، با آگاهی به همین مسئله از کلاسهای ابتدائی تا کلاس چهارم دبیرستان، با القاء نظرات و اندیشه های قرون وسطائی خود، آموزش صحیح و علمی دانش آموزان را مخدوش می سازند. آنچه در مدارس کشور تبلیغ و ترویج می شود جنگ و کشتار همه کسانی است که "اسلامی" نیستند. و این در حالی است که برای تمامی مردم جهان، صلح و رعایت همزیستی مسالمت آمیز و دوستی میان همه کشورها، مسئله اساسی است. جمهوری اسلامی سعی دارد که جوانان و نوجوانان کشور ما را به جنگ و تجاوز و عدم احترام به اعتقادات دیگران ترغیب کند.

در این شرایط، وظیفه دانش آموزان آگاه کشور ما است که نوجوانان و جوانان و دانش آموزان و اولیا آنها را هر چه بیشتر با ماهیت ضد بشری رژیم آشنا سازند و به سازماندهی و تشکل آنها برای اعتراض و مبارزه با سیاست ضد آموزشی و ضد انسانی رژیم بپردازند. تغییر نظام آموزشی با حذف آموزش جنگ از مواد درسی، قطع کامل اعزام دانش آموزان به جبهه ها، تغییر مواد درسی در چارچوب رشد و ترقی دمکراتیک کشور، افزایش امکانات آموزشی (آموزگار، مدرسه، ...)، قابل دستیابی است. تنها از این طریق می توانیم مبارزه در راه آموزش دمکراتیک در سطح کشور را گسترش دهیم. ناگفته نماند که ماهیت رژیم حاکم بر ایران، امکان هیچگونه پیشرفتی را نه تنها به دانش آموزان بلکه به هیچ یک از اقشار مردم نخواهد داد. به همین علت است که از جمله دمکراتیزه کردن امور آموزشی در کشور مستلزم سرنگونی رژیم "ولایت فقیه" است.

ناقوس مرگ در ...

توجه به ارتباط صمیمانه و تنگاتنگی که بین وزارت سپاه و وزارت آموزش و پرورش در پیشبرد امر جنگ برقرار است، ما متعهد می شویم که توان خود را در اعزام نیرو به جبهه و گسترش مجتمعهای آموزشی در جبهه ها و پشت جبهه بکار گیریم تا دین (۱) خود را جهت ارتقا دانش محصلین رزمنده ادا نماییم" (کیهان، ۶۴/۸/۲۶).

سران رژیم با هر یک هدفهای ضد آموزشی خود، در حقیقت به خانواده های "محصلین رزمنده" چنین وانمود می کنند که در فکر آموزش و پرورش عزیزان آنان هستند. بهتر است به آقایان گفته شود، پناه به آمار که خود ایشان منتشر کرده اند، کشور ما به ۵۰ هزار معلم و آموزگار نیازمند است، تعداد مدارس و آموزشگاهها بسیار محدود است و دانش آموزان مجبورند که در کلاسهای ۴۰ الی ۵۰ نفره در ۲ یا ۳ شیفت درس بخوانند و حالا این آقایان با وقاحت تمام اظهار می کنند که "مجتمعهای آموزشی" خواهند ساخت و در فکر تحصیل "محصلین رزمنده" هستند. اگر این آقایان کمی فکر آینده این نوجوانان بودند، آنان را گروه گروه به جبهه های بی بازگشت جنگ نمی فرستادند.

از طرف دیگر، سردمداران مرتجع و جنگ طلب حاکم سعی می کنند با دادن برخی امکانات به "رزمندگان جبهه"، هم تبلیغی برای رفتن به جبهه کرده باشند و هم رضایت دانش آموزان در حال جنگ را جلب کنند. معاونت فنی و حرفه ای وزارت آموزش و پرورش در زمینه شرایط ثبت نام در سال تحصیلی ۶۵-۶۶ اعلام می کند: "... قبولی سال سوم راهنمائی که معدل کتبی آن ۱۵ یا بیشتر باشد پذیرش قطعی ثبت نام می شود و همچنین از برادران رزمنده و با فرزندان شهدا ضمن رعایت دستورالعمل باید بصورت پذیرش قطعی ثبت نام بعمل آید" (جمهوری اسلامی، ۶۵/۲/۱۰). و یاد مورد شرایط و نحوه ثبت نام داوطلبان هنرستانها، کشاورزی از طرف وزارت آموزش و پرورش آمده است: "۱۰ درصد کل پذیرش هنرستانها به داوطلبان دارای معدل بالاتر از ۱۷ اختصاص دارد که بدون کنکور می توانند ثبت نام کنند. همچنین فرزندان شهیدان، معقودین، شهدا، اسراء، چانهازان و رزمندگان نیز از امتیاز خاص برخوردارند" (کیهان، ۶۵/۲/۴).

جهت دیگر برنامه رژیم در ادامه و گسترش جنگ و آماده کردن نیرو برای سالهای آینده است. ادامه جنگ برای رژیم بوضوح اهمیت حیاتی دارد و مجبور است برای گرم نگه داشتن تئور جنگ حتی نوجوانان را نیز به آتش بکشد. برنامه ریزی رژیم برای تعلیم نظامی دانش آموزان در سال گذشته تحصیلی پیش بینی شده است. رحمانی مسئول "بسیج مستضعفین" در مصاحبه ای با روزنامه "کیهان" گفته بود: "دروس تئوری و پراکتیک نظامی از سال آینده در مدارس کشور تدریس می شود" (کیهان، ۶۴/۲/۱۲). درست یک سال بعد از آن مصاحبه، وی اخیراً در سخنرانی دیگری به تأسیس ستادی بنام جنگ اشاره کرد و وظایف آن را چنین شرح داد: "۱- تأمین و نوبه بندی اعزام دانش آموزان داوطلب. ۲- برنامه ریزی به منظور آموزش نظامی دانش آموزان. ۳- سازماندهی کلیه نیروهای دانش آموز در ارتش. ۴- میلیون. ۴- رفع و پیگیری موانع آموزشی تحصیل دانش آموزان رزمنده. ۵- انجام امور تبلیغاتی پیرامون بسیج و کمک به جبهه و انتقال فرهنگ جبهه به مدارس. ۶- راه اندازی و توسعه مجتمعهای آموزشی در پشت جبهه. ۷- جمع آوری کمپهای دانش آموزان به جبهه" (کیهان، ۶۵/۲/۷).

این ستاد مستقیماً زیر نظر واحد بسیج

بایان دادن به جنگ و برقراری صلح عادلانه در گرو ویکاری گیر،

متحد و سازمان یافته همه نیروهای مترقی و مردمی است!

بازهم مفتریان (۳)

انترناسیونالیسم در ایدئولوژی "راه کارگر"

"راه کارگر" برای اولین بار نیست که درباره "انترناسیونالیسم پرولتری قلمفرسایی می‌کند و باز برای نخستین بار نیست که حزب توده ایران را آماج حمله قرار می‌دهد، آن هم نه به شیوه "کمونیستی، بلکه با زدن انواع پرچسب‌ها.

در مقاله "دومی که برهان - "تئوریسم" نشربه" "راه کارگر" تحت عنوان "انترناسیونالیسم در ایدئولوژی توده‌ای" نگاشته، همانند مقاله‌ای که از آن یاد شد، نه از دلیل و برهان، بلکه از سفسطه و تحریف‌باری گرفته شده است.

برهان می‌نویسد: "در تئوری انقلاب مارکس و لنین، رسالت طبقه کارگر هر کشور در سرنگونی بورژوازی خودی و انجام انقلاب سوسیالیستی، یک موضوع مفروض و غیر قابل تردید است؛ و انترناسیونالیسم پرولتری، -باز هم به عنوان یک اصل غیر قابل تردید- شرط انجام موفقیت آمیز این رسالت است" ("راه کارگر" تئوریک، خرداد ۶۵، ص ۶۱).

در تئوری انقلاب مارکس و لنین و انکلس و لنین، انترناسیونالیسم پرولتری در چنین دایره "تنگی عرضه نشده است (مادر زیر در این باره سخن خواهیم گفت)، اما در اینکه انقلاب سوسیالیستی در کشور خودی یکی از مظاهر اصلی انترناسیونالیسم پرولتری است، جای تردیدی نیست و ما پاره‌ها در این باره نوشته‌ایم.

ولی، "راه کارگر" مدعی است که "در ایدئولوژی" توده‌ای "انترناسیونالیسم پرولتری چیزی است که می‌تواند در این اصل که رسالت طبقه کارگر هر کشور سرنگونی بورژوازی خودی است، جای بحث و اگر و مگر باز کند و حمایتگری پرولتاریا از دولت بورژوازی را بهیچ آن نشانند. در این ایدئولوژی، پرولتاریا و انقلاب پرولتری در خدمت "انترناسیونالیسم" و قربانی آن است" (همانجا).

"راه کارگر" همچنین می‌نویسد: "... در "انترناسیونالیسم" حزب توده" (ایران)، هر نوع استقلال احزاب عملاً با منافع شوروی در تقابل قرار می‌گیرد و "انترناسیونالیسم" را نقض می‌کند" (همانجا، ص ۶۷).

آیا نویسنده "راه کارگر" در اثبات این تهمت و افترای صریح و آشکار سندی و یا نقل قولی از اسناد حزب توده ایران ارائه می‌دهد؟ اصلاً و اهدا! این مدعیان مارکسیسم - لنینیسم عادت به ارائه دلیل و برهان ندارند. زیرا چنین دلیلی وجود ندارد.

نویسنده که با پای لنگ قدم به عرصه "استدلال" نهاده، بدون این که اندکی احساس سرش کند، برای "اثبات" افتراضی که می‌زند، می‌نویسد: "صد البته حزب توده" (ایران) چنین چیزی را بر زبان و بر روی کاغذ نمی‌آورد و حتی پای اسناد گردهم آبی نیز که از "استقلال احزاب و برابری حقوق آنها" حرف زده‌اند، امضا" می‌گذارد و در برنامه‌های کاغذی خود نیز این حرف‌ها را کبیه می‌کند..." (همانجا، ص ۶۷).

گردانندگان "راه کارگر" با این اعتراف نقاب از چهره خود بر می‌دارند. آخر، چگونه می‌توان بدون ارائه سندی و تنها بر پایه "یک توم و یک دروغ، حزبی را متهم ساخت و در عین حال دم از اخلاق کمونیستی و پایبندی به اصول زد؟ اگر برنامه و اسناد حزبی سند نیست و حزب هیچگاه "چنین چیزی را بر زبان و بر روی کاغذ نمی‌آورد"، در ابضورت "استدلال" "راه کارگر" بر چه پایه ای استوار است؟ فقط کسانی می‌توانند اینگونه بی‌محابا رویه ناپسند اتهام زنی را در پیش گیرند که حزب توده‌ای ما را خاری در چشمان خود می‌بینند.

حال برگردیم به "استدلال" برهان پیرامون انترناسیونالیسم پرولتری که سعی کرده آن را در تنگنای حصار ایدئولوژیکی "راه کارگر" جای دهد.

در مانیفست حزب کمونیست می‌خوانیم، "کمونیستها همه چا از جنبش انقلابی که ضد نظام اجتماعی و سیاسی موجود باشد پشتیبانی می‌کنند... سرانجام کمونیست‌ها همه چا برای برقراری اتحاد و توافق در میان احزاب دمکرات همه کشورها جهد می‌ورزند". در پایان مانیفست، مارکس و انگلس شعار "پرولتاریای همه کشورها، متحد شوید!" را عنوان می‌کنند، که گویای خصلت انترناسیونالیستی نهضت کمونیستی و کارگری است ("مانیفست حزب کمونیست"، ترجمه جدید فارسی).

مارکس و انگلس به اتحاد انترناسیونالیستی کارگران اهمیت فوق‌العاده‌ای می‌دادند، "تخریب" گلاشته نشان داده است که پی‌اعتنائی به اتحاد برادرانه‌ای که باید میان کارگران کشورهای مختلف وجود داشته باشد و آنها را به پشتیبانی جدی از یکدیگر در بیکار برای رهائی برانگیزد، کیفرش عهات خواهد بود از شکست اقدامات پراکنده آنان... (ک. مارکس و ف. انگلس، مجموعه آثار، جلد ۱، ص ۱۲-۱۳).

اگر ضرورت اتحاد بین‌المللی طبقه کارگر، یعنی همبستگی انترناسیونالیستی، در قفس تنگ ایدئولوژی "راه کارگر" و "تزلزل" "استقلال" آن نمی‌گنجد، تقصیر از ما نیست، گناه را باید در ناآشنائی "تئوریسمین"‌های این سازمان ما مارکسیسم - لنینیسم پیکایوی کرد.

فکر و اندیشه "انترناسیونالیسم پرولتری که در تمام آثار لنین انعکاس دارد، در چارچوبی که "راه کارگر" ارائه می‌دهد، نمی‌گنجد. لنین نه تنها از

انقلاب در یک کشور، بلکه از فشار عمومی انقلابی بر امپریالیسم در سراسر جهان، بر پایه "اتحاد چریکانه‌های گوناگون روند انقلاب جهانی دفاع می‌کرد، ... انقلاب‌های سوسیالیستی تنها و بطور عمده مبارزه پرولتاریای انقلابی در هر کشور علیه بورژوازی خودی نخواهد بود، -نخبر، انقلاب سوسیالیستی، مبارزه همه مستعمرات و کشورهای زیر ستم امپریالیسم، همه کشورهای وابسته علیه امپریالیسم بین‌المللی خواهد بود" (و. ای. لنین، مجموعه کامل آثار، جلد ۲، ص ۲۲۷).

انترناسیونالیسم پرولتری مورد نظر لنین در آنجا نظاره می‌کرد که اتحاد پرولتاریای کشورهای پیشرفته با ملل کشورهای تحت ستم راضان و وثیقه خنثی ساختن تلاش‌های امپریالیست‌ها در جهت تشکیل اتحاد ضد انقلابی می‌شرد و به کمونیست‌ها توصیه می‌کرد تا استراتژی خود را بر این بنیان طرح ریزی کنند (همانجا، جلد ۲، ص ۲۶۹).

انترناسیونالیسم توده‌ای مورد بحث "راه کارگر" بر مبنای آموزش مارکس و انگلس و لنین استوار است و طبعاً نمی‌تواند با "انترناسیونالیسم" مورد نظر "راه کارگر" همخوان باشد. ماهیچه مواد ارتلغیق منطقی منافع ملی و انترناسیونالیستی بوده و هستیم و قاطعانه علیه هر گونه نیبیلیسم ملی مبارزه کرده‌ایم و خواهیم کرد. اینکه، این رویه ما خوشایند امثال "راه کارگر" نیست، تأثیری در سیاست ما نخواهد داشت. ما هم منافع ملی، یعنی منافع خلق‌های ساکن میهن را تا مرحله دستیابی به حق تعیین سرنوشت در نظر می‌گیریم، و هم معتقدیم که مبارزه کمونیست‌های هر کشور در راه آزادی ملی و اجتماعی مقدمه و محمل ضرور برای مبارزه در راه منافع عمومی و مشترک پرولتاریاست. در اینجا نیز این اصول لنینی مورد توجه ماست که پرولتاریای همه کشورهای مبارزه در راه منافع و علائق ملی خود نباید وظیفه مبارزه علیه محدودیت تنگ نظرانه ملی، گوشه‌گیری و عزلت، مبارزه به خاطر کل، به خاطر تابعیت منافع خصوصی از منافع عمومی را از یاد ببرد (همانجا، ص ۴۵).

وحدت مبارزه پرولتاریای جهان و تلفیق اصولی دو عامل بین‌المللی و ملی، هوی و هوس یک فرد نیبیلیست نیست که درباره اش سخن بگوید و آنچه را که "ویژه" ملی و از خصائص ملی است" نفی کند، بلکه نتیجه منطقی حقیقتی است که نمی‌توان آن را نفی کرد و بیا مورد شک و تردید قرار داد. این حقیقت ساده عهات از آن است که مبارزه طبقه‌های نیروی محرکه تاریخ است و در مقیاس جهانی جریان دارد و نمی‌توان آن را در چارچوب محلی و ملی محدود کرد. زیرا منافع بنیادی طبقه کارگر تمام کشورها یکی است. پس از اکتبر ۱۹۱۷، این مبارزه درست در مقیاس جهانی و در بیکار بیکارچه دو سیستم سرمایه‌داری و سوسیالیسم به عالی‌ترین شکل بازتاب یافت.

به استثنای اندیشه‌پردازان امپریالیسم، تاکنون هیچکس جرات نکرده که درباره "حاصلت انترناسیونالیستی پرخورد لنین به مسئله" تدارک و انجام سه انقلاب روسیه، شک و تردید بخورد راه دهد. لنین در اثر معروف خود "بیماری کودکانی" چپ روی "در کمونیسم" این نظر را که گویا بلشویسم یک رویداد ویژه برای روسیه است برای همیشه افشا و رد کرد. شکل تکامل یافته "این نظر را در" چه باید کرد؟" نیز می‌توان آشکارا دید. از جمله آنجا که لنین مسئله امکان پیروزی انقلاب سوسیالیستی در چند و حتی در یک کشور جداگانه را بررسی می‌کند. همچنین زمانی که لنین مسئله مربوط به دیالکتیک انقلاب و سیاست همزیستی مسالمت آمیز را مدلل می‌سازد، حتی در یک مورد هم از جانب وی به چشم‌پوشی در برابر ملت گرائی بورژوازی و با بطور خلاصه صرف‌نظر کردن از انترناسیونالیسم پرولتری - به مقابله ستاره راهنمای انقلاب - کوچکترین اشاره‌ای نمی‌شود.

هیچ یک از اصولی که ما برشردیم، بر خلاف تصور "راه کارگر" "کهنه" نشده و در شرایط کنونی مبارزه نیز هر کدام از آنها حائز اهمیت فراوانی است. انترناسیونالیسم پرولتری، مهمترین عامل پیوند همه نیروهای انقلابی در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع است.

"راه کارگر" می‌نویسد: "اگر همبستگی طبقه کارگر ایران با پرولتاریای جهانی و بویژه اردوگاه سوسیالیستی، و چپی از انترناسیونالیسم پرولتری است، همبستگی پرولتاریای جهانی و بویژه اردوگاه سوسیالیستی و اتحاد شوروی با جنبش انقلابی و مبارزه انقلابی طبقه کارگر ایران و پشتیبانی از آن نیز وجه دیگر این انترناسیونالیسم است" ("راه کارگر" تئوریک، خرداد ۶۵، ص ۶۴).

آیسا ما چز این گفته و می‌گوئیم؟ مگر اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی از جنبش انقلابی طبقه کارگر ایران دفاع نکرده و نمی‌کنند؟ "راه کارگر" منکر این حقیقت است و گستاخانه می‌نویسد که هر اشاره‌ای به ضرورت حمایت و همبستگی شوروی با جنبش انقلابی و مبارزه انقلابی طبقه کارگر، "در مسلک حزب توده" (ایران) به معنی "کمونیسم مستقل" و "کمونیسم ضد شوروی است" (همانجا، ص ۶۴).

در واقع "راه کارگر" چنین می‌رساند که گویا همبستگی انترناسیونالیستی، با جامعه کشورهای سوسیالیستی بیکانه است و همبستگی متقابل، بویژه از جانب اتحاد شوروی با جنبش انقلابی کشور ما محلی از اعراب ندارد. به این می‌گویند سفسطه و واقعه‌ام نه هر مرده که هر زنده باید گریست. وانگهی، کی و کجا حزب توده ایران نوشته و یا گفته که اشاره به "ضرورت حمایت و همبستگی شوروی با جنبش انقلابی و مبارزه انقلابی طبقه کارگر" به معنی "کمونیسم ضد شوروی" بودن است؟ زدن چنین اتهامی به حزب ما و چنین تعبیر مغرضانه‌ای از سیاست اتحاد شوروی، درباره نهضت‌های انقلابی امر تازه‌ای نیست. آیا گردانندگان "راه کارگر" نمی‌دانند که سیاست حزب کمونیست اتحاد

شامل همه* احزاب کمونیستی و کارگری غیر حاکم می‌شود. نشریه* ارگان این سازمان در پاسخ به یکی از "خوانندگان" خود که چرا احزاب کشورهای سوسیالیستی و از جمله حزب کمونیست اتحاد شوروی توده* ایران راه رسیدن می‌شناسد، نوشت، حزب کمونیست اتحاد شوروی آن احزاب کمونیستی و کارگری را به رسیدن می‌شناسد که از سیاست خارجی اتحاد شوروی دفاع کنند.

بیمگان هر خواننده* صادقی این استدلال را، استدلال سخیفی می‌داند. اما چه می‌شود کرد، ضعف منطقی و استدلال خواه ناخواه نویسنده را به سوی ورطه* افترا و تهمت سوق می‌دهد.

"راه کارگر" که هنوز ایدئولوژی انترناسیونالیسم پرولتری را دقیقاً درک نکرده، دچار بحران و آشفتگی اندیشی است و این بحران فکری بیماری مزمنی است که علاج آن نیاز به زمان دارد.

"تئوریسمین"های "راه کارگر" عمداً و با سواد موضوع کاملاً جداگانه را با هم قاطی می‌کنند، سیاست داخلی و سیاست خارجی حزب توده* ایران را.

خط مشی سیاسی حزب ما در زمینه* ملی دقیقاً در اسناد و مدارک حزب منعکس است. ما در پیوند با این خط مشی، سیاست خارجی خود را نیز تنظیم کرده ایم.

علاوه بر همه* اینها، ما از "راه کارگر" می‌پرسیم، سیاست خارجی حزب کمونیست اتحاد شوروی چه نقشی دارد که دفاع از آن در عرصه* ملی برای کمونیست‌ها "تنگ آور" باشد؟ اتحاد شوروی - چنانکه در اسناد و مدارک متذکره* ۲۷ حزب کمونیست آن کشور گفته می‌شود - مخالف سرسخت جنگ و طرفدار صلح است، از آنجمله جنگ ویرانگر ایران و عراق را نیز محکوم می‌کند. اتحاد شوروی از همه* جنبش‌های رهایی‌بخش ملی در هر منطقه از جهان دفاع کرده و می‌کند و از انقلاب مردمی، ضد سلطنتی و ضد امپریالیستی بهمین ۵۷ مردم کشور ما هم در حساس‌ترین لحظات دفاع کرد. اتحاد شوروی طرفدار همکاری، برابر حقوق با همه* کشورهای جهان و عدم مداخله در امور داخلی آنهاست. اتحاد شوروی تکیه‌گاه خلفا در مبارزه* ضد امپریالیستی است. اتحاد شوروی مخالف صدور ضد انقلاب است. اتحاد شوروی مدافع پیگیر تعیین سرنوشت خلفا توسط مردم هر کشوری است.

همه* این مواد انطباق کامل با سیاست خارجی حزب ما دارد. چرا دفاع از آنها گناه نابخشودنی به شما می‌آید و دلیل "عدم استقلال" حزب ما است؟ آشفتگی اندیشی در همه* نوشته‌های "راه کارگر" به چشم می‌خورد. مثلاً، این نشریه می‌نویسد، "مسئله* اصلی این نیست که آیا حزب توده* (ایران) قبول دارد که وظیفه‌اش حداکثر کوشش در کشور خویش برای پیشبرد هدف واحد در سراسر جهان است، یا نه، و مسئله* اصلی این هم نیست که آیا این حزب، برای عامل داخلی اهمیت درجه اول قائل است یا نیست". اگر همه* اینها مسئله* اصلی نیست، پس شان نزول پیش از ۱۴۶ صفحه کتابچه* ضد توده‌ای چیست و اصول مسئله* اصلی کدام است؟ "راه کارگر"، "مسئله* اصلی" را بصورت سوالی مطرح می‌کند و می‌پرسد مسئله* اصلی این است که مضمون این "حداکثر کوشش در کشور چیست؟" (همانجا، ص ۶۹).

پا آنکه اسناد برنامه‌ای ما در همه* زمینه‌ها کاملاً روشن است و ما با راه‌ها و پارها درپاره* آنها نوشته‌ایم، بیکبار دیگر برای روشن شدن ذهن "تئوریسمین"های "راه کارگر" خلاصه‌ای از آن را توضیح می‌دهیم. مضمون حداکثر کوشش و تلاش ما، در نهایت، ساختمان جامعه* سوسیالیستی در ایران به رهبری حزب واحد طبقه* کارگر ایران است - جامعه‌ای که در آن از بهره‌کشی انسان از انسان اثری باقی نماند. چه "راه کارگر" بخواهد چه نخواهد، ما مارکسیسم - لنینیسم را در این مورد نیز بطور خلاق در جامعه* خود پیاده خواهیم کرد. ما شرایط مشخص تاریخی کشور، سن و تاریخ و فرهنگ و آرایش طبقاتی جامعه، سطح رشد اجتماعی - اقتصادی و ... را همیشه در نظر خواهیم گرفت. ما درپاره* سازماندهی مبارزه* طبقاتی پرولتاریا برای تصرف قدرت سیاسی مبارزه خواهیم کرد. ما به گفته* مارکس ایمان داریم که انقلابها توسط اکثریت خلق انجام می‌گیرد، نه به نیروی یک حزب (مراجعه شود به مارکس، انگلس، لنین درپاره* انقلاب اجتماعی، ص ۵۹). ما به این وصیت انگلس معتقدیم که هر جاسختت بر سرنوشتی کامل نظام اجتماعی است، توده‌ها خودشان باید در آن شرکت ورزند و خودشان دریا باند که برای چه خون می‌ریزند (همانجا، ص ۶۴). ما به این اصل لنینیست معتقدیم، "در آنجا که توده‌ها هستند، بدون بیم از ایراد گیربها، مانع تراشها، اهانت‌ها و بیگانه‌ها، حتماً فعالیت خواهیم کرد چنانکه گفته ایم، از هر شکافی در میان دشمنان و از هر متحدی، حتی موقتی، مردود و ناپایدار، حتماً استفاده خواهیم کرد (همانجا، ص ۱۰۹ - ۱۱۰).

چنین است خلاصه* مضمون خط مشی سیاسی حزب توده* ایران که "راه کارگر" نیز از آن باخبر است.

"راه کارگر" به ما ایراد می‌گیرد که چرا از اصل همزیستی کشورها با نظام اجتماعی گوناگون دفاع کرده ایم و می‌کنیم. آیا هنوز هم علت اتخاذ این سیاست از جانب ما برای "تئوریسمین"های "راه کارگر" روشن نیست؟

خطر جنگ هسته‌ای، آینده* بشریت را زیر علامت سؤال قرار می‌دهد. از این دیدگاه، جلوگیری از جنگ هسته‌ای به مسئله* حاد روز در عرصه* بین‌المللی تبدیل می‌شود. ده‌ها میلیون انسان و در رأس آنها کمونیست‌ها در سراسر جهان، درپاره* چگونگی رفع این خطر پیکار می‌کنند. نمایندگان دو سیستم اجتماعی متضاد، انواع راه‌های گوناگون و اغلب متناقض را مطرح می‌سازند. در این

شوروی از انقلاب اکثریت ناکنون متوجه متلاشی کردن سیستم "امپراطوری" در مناسبات بین‌المللی است؟ در واقع این اتحاد شوروی و موجودیت و سیاست آن بود که موجب درهم فرو ریختن سلطه* جهانی امپریالیسم در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی و ایدئولوژیک گردید. تحولات ژرف در صحنه* بین‌المللی - که جنبش‌های انقلابی در آن گسترش یافته - از نتایج تحدید سلطه* امپریالیسم است.

سیاست اتحاد شوروی همواره متوجه تهدید جنبش‌های رهایی‌بخش و انقلابی به نیروی مقتدری در جهان معاصر و بروز کامل اراده* مستقل خلق‌های شرکت کننده در آن بوده و هست. این امر شامل نهضت انقلابی کشور ما نیز بوده و هست. تلاش‌های بی‌گهر و عظیم و انکارناپذیر اتحاد شوروی را در مبارزه به خاطر آن که خلق‌های اسارت زده* بیشین به مثابه آفرینندگان واقعی تاریخ به عرصه* بین‌المللی کام نهند، جز با انترناسیونالیسم نمی‌توان توصیف و تشریح کرد.

بدون پشتیبانی و حمایت اتحاد شوروی، آزادی اجتماعی در بسیاری از کشورهای آسیا و آفریقا نمی‌توانست چنین دامنه* گسترده‌ای بیابد.

"راه کارگر" با حقیقت سرسبز دارد. اگر گردانندگان این نشریه بخود زحمت می‌دادند و لااقل نشریات جدید حزب ما را ورق می‌زدند، به سهولت می‌توانستند به مواردی نه اندک و انگشت شمار حمایت چنانچه* حزب کمونیست اتحاد شوروی و دیگر احزاب برادر از جنبش انقلابی مردم میهن ما و نیز پشتیبانی بی دریغ آنها از انقلابیون ایران، برخورد کنند. ولی نویسندگان "راه کارگر" در این مورد هم دروغ را بر حقیقت ترجیح داده‌اند.

جالب است که "راه کارگر" در بحث پیرامون مضمون انترناسیونالیسم پرولتری نیز - که عمیق‌ترین شالوده* جنبش کمونیستی است - آن را در مقابل اصول مسلم احترام به استقلال و حقوق برابر هر حزب، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، عدم وابستگی احزاب و استقلال کامل آنها در تعیین سیاست خود می‌گذارد. این تقابل ساختگی است. مفهوم معاصر انترناسیونالیسم پرولتری، این موازین و اصول را به گونه‌ای ارگانیک دربر می‌گیرد و این مسئله در اسناد جنبش جهانی کمونیستی، درست به این دلیل (نه عکس آن که مورد استفاده* "راه کارگر" است) بازتاب یافته است.

برهان در "راه کارگر" می‌نویسد، "حزب توده* (ایران) هر چند در روی کاغذ از مستقل بودن خود دم بزند، در عمل همان استقلال را که خود مدعی (آن) است، تقابل با اتحاد شوروی و پشت کردن به انترناسیونالیسم پرولتری می‌داند. این حزب دقیقاً همان "تابعیت تمام احزاب ملی به کمیته* مرکزی حزب کمونیست شوروی" را... انترناسیونالیسم پرولتری می‌داند" (خرداد ۶۵، ص ۶۷).

چنانکه ملاحظه می‌کنید، نویسندگان این سازمان، نه به اسناد نوشته‌های ما، بلکه بر پایه* برداشتهای واهی خود، بدون هیچ حس مسئولیتی، آنچه را که می‌خواهند به ما نسبت می‌دهند. چگونه می‌توان به صداقت انقلابی "راه کارگر" باور کرد؟

این برای نخستین بار نیست و آخرین بار نیز نخواهد بود که امثال "راه کارگر" قصد دارند عجز تئوریک خود را با "پرونده سازی" علیه حزب ما جبران کنند. مثلاً، در نشریه* "تئوریک" می‌خوانیم، "هنگامی که آکادمیسین شوروی، اولیانفسکی، اعلام کرد که رژیم شاه ایران شانس اتخاذ راه رشد غیر سرمایه‌داری را دارد، حزب توده* (ایران) برای آنکه به "انترناسیونالیسم" وفادار بماند و "بیکارچگی اندیشه و عمل" را حفظ کند، ناگزیر است نه تنها این نظر را تأیید کند، بلکه ناگزیر هم هست که سیاست خود را در قبال رژیم شاه بر اساس این "آیه* منزل" تنظیم کند" (همانجا).

معمولاً، در مقالات تئوریک وقتی نقل قولی می‌شود، منجر آن ارائه می‌گردد تا صحت نظر نویسنده مورد تردید قرار نگیرد. اما، همانطور که در موارد دیگر ملاحظه شد داشتن چنین انتقاری از "راه کارگر" بیهوده است. این نشریه تنها در بی‌سپاسی و علیرغم ادعاهائی که دارد، خود را ملزم به مراعات موازین اخلاق روزنامه‌نگاری کمونیستی نمی‌داند.

معلوم نیست که در چه زمانی و در کجا اولیانفسکی چنین مطلبی را نوشته است که ما از آن بی‌خبریم؟ ولی قدر مسلم آن است که حزب توده* ایران هیچگاه در هیچ شرایطی چنین تزی را مطرح نکرده است. "راه کارگر" در این باره آنچه را که نشریه* "قدائی" مدتها پیش نوشته بود، طوطی و تکرار می‌کند. ما در ضمیمه* "نامه* مردم" شماره* ۶۴ سال ۱۳۶۴ این دروغ "قدائی" را با ارائه* فاکت‌های انکارناپذیر فاش ساختیم و نیازی به تکرار نمی‌بینیم.

افترا زنی "راه کارگر" به اینها پایان نمی‌یابد. برهان می‌نویسد، "حزب توده* (ایران)، استراتژی در سطح ملی ندارد، اما نه به این معنی که برای خود وظیفه‌ای "در کشور خویش" قائل نیست و به عامل داخلی توجهی ندارد. "کوش" حزب توده* (ایران) "در کشور خویش" منحصر و مطلقاً کوشی است برای منافع دیپلماتیک و اقتصادی اتحاد شوروی در ایران" (همانجا، ص ۶۹).

بالاخره، معلوم نیست که آیا حزب توده* ایران استراتژی در سطح ملی دارد و یا ندارد؟ وانگهی آیا این "راه کارگر" بود که در سال ۱۳۵۴ به تحلیل همه جانبه* وضع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران پرداخت و ضرورت سرنگون کردن رژیم شاه را مطرح کرد، با حزب توده* ایران؟ آیا شعار سرنگونی و مبارزه در راه تحقق آن، در گذشته و حال، منحصر اکوشی است برای منافع دیپلماتیک و اقتصادی اتحاد شوروی؟

از همه* اینها که بگذریم، آنچه که "راه کارگر" درپاره* روابط حزب ما با اتحاد شوروی نوشته، نظر این سازمان تنها درپاره* حزب ما نیست، بلکه این نظر

تفرقه افکنی، براترین و کاراترین...

احوال سیاسی - اجتماعی کشور همچنان حاد و حادتر می شود. علیرغم رژیم ترور و خفقان، تضادهای و تناقضات درونی جامعه بالا می گیرد. زحمتکشان که از محرومیت ها و نابسامانی های اجتماعی و اقتصادی - که خود زائیده مجموعه سیاست ضد خلقی رژیم از جمله در زمینه ادامه جنگ امپریالیسم برافروخته ایران و عراق است - به تنگ آمده اند و کار در به استخوانشان رسیده است، هرچه بیشتر از سردمداران مرتجع جمهوری اسلامی رویگردان می شوند و به صف مبارزان ضد رژیم می بیوندند. توازن نیروها هر روز بیشتر به سود نیروهای انقلابی تغییر می کند و در نتیجه شکاف های درون حاکمیت نیز هر روز عمق و ابعاد تازه ای می یابد. سخنان پر بیم و هراس خمینی و دیگر سران جمهوری اسلامی پیرامون ضرورت " وحدت " همه جناح ها بخاطر حفظ " اسلام " و " جمهوری اسلامی " دقیقاً بازتاب این واقعیت است. سردمداران رژیم نزدیک شدن سیل بنیان کن جنبش انقلابی را در بطن اعتراض های رشدیابنده توده های مردم احساس می کنند.

به شهادت رویدادهایی که هر روز در سطح کشور بوقوع می پیوندد، هر روز بیش از پیش توده های زحمتکش با آگاهی ژرفتر به رویارویی با رژیم برمی خیزند. توده های زحمتکش بویژه کارگران و دهقانان نان می خواهند، زمین می خواهند، صلح می خواهند، کار و وسائل کار و امنیت شغلی می خواهند، مسکن و دکتر و دارو و بهداشت می خواهند، آزادی حرف زدن و برپائی تشکل های صنفی و سیاسی می خواهند، ولی رژیم به همه خواسته های برحق و عادلانه آنها با سرنیزه و دست بند و زندان و گلوله پاسخ می دهد. از آنجائی که رژیم فاقد پایگاه توده ای و برنامه اقتصادی - اجتماعی برای برون رفت از بحران عمیق موجود است، به شیوه های گوناگون تلاش می ورزد تا جنبش انقلابی میهنمان را سرکوب کند. تردیدی نیست که رژیم با به اجرا گذاردن توطئه ها و ترفندهای رنگارنگ توانسته است که ضربات محسوسی، در این یا آن مقطع، برپیکر این یا آن نیروی انقلابی و مترقی وارد آورد و از این رهگذر از توانایی های جنبش عمومی خلق بکاهد و نیروی آن را تحلیل برد. براین اساس، ضرور است که راه های ضربه پذیری جنبش را سد کنیم.

در شرایط کنونی حتی یک لحظه نباید این حقیقت را از نظر دور داشت که رژیم برای مهارزدن به جنبش انقلابی در کشور و محروم ساختن این جنبش اوج گیرنده از یک رهبری آزموده انقلابی و دمکراتیک، توطئه های گوناگونی را به اجرا می گذارد. این توطئه ها بطور عمده در خدمت ایجاد تفرقه و چندپارچگی در جبهه نیروهای خلق، به منظور جلوگیری از شکل گرفتن عامل ذهنی انقلاب است. در این میان، لبه تیز حملات بیش از همه متوجه حزب توده ایران، بمثابه پرسابقه ترین سازمان سیاسی مدافع زحمتکشان است. ارتجاع و امپریالیسم برای دستیابی به هدف

پیشگفته، از همه سلاح هایی که در زرادخانه جهنی خود دارند، از جمله سازمان سازی، افشاندن بذر عدم اعتماد و بدبینی، رخنه دادن عناصر خود در درون سازمان های انقلابی گوناگون، استفاده از عناصر ضعیف و خودفروخته که آماده خیانت به خلق و جنبش می شوند، براه انداختن کارزارهای کمونیسم ستیزی و توده ای ستیزی با تمام اشکال رنگارنگ آن و غیره و غیره بهره برداری می کنند.

باز دقیقاً برای دستیابی به این هدف است که رژیم و دستگاه های اطلاعاتی و سرکوبگر آن، با تمام توان تلاش می ورزند که با تبلیغ کردن و بر سر زبان انداختن انواع شایعه ها و زدن اتهام های سیاسی و سازمانی بی اساس ضد توده ای، توطئه های خود را به اجرا در آورند. انتشار تحلیل هایی " در نقد سیاست حزب در گذشته بویژه در سال های پس از انقلاب از سوی "وزارت اطلاعات" و باز تکثیر "تحلیل های" منتشره از جانب وزدگان سیاسی ضد حزبی از جمله با چاپ آنها در "کیهان هوایی" دقیقاً در همین چارچوب می گنجد. شایان بیان است که موج این تبلیغات و هیاهوهای توطئه آمیز را نه تنها در سطح جامعه بلکه حتی به درون زندان ها نیز کشانده اند.

نظر نیروهای انقلابی و مترقی را به دو خبر زیر - از انبوهه خبرهای دریافتی در این زمینه - جلب می کنیم:

خبر اول - اخیراً در زندان ها مطالبی را که ارکان های مطبوعاتی نیروهای گوناگون انقلابی چپ و مترقی علیه یکدیگر منتشر می کنند و مجموعه خبرهایی را که بنوعی بیانگر تفرقه در بین آنهاست، به اشکال مختلف در اختیار زندانیان دارای گرایش های فکری گوناگون می گذارند.

خبر دوم - در زندان وکیل آباد مشهد، دادستانی مستقر در زندان، با همکاری وزارت اطلاعات، برای تضعیف روحیه مبارزان و توده ای های در بند دست به انتشار شایعه انحلال و انشعاب در حزب توده ایران زده است. این آرزوی خام و دست نیافتنی و شایعه ضد انقلابی که در اوایل خردادماه سال جاری، با صحنه سازی های مضحکه آمیز عده ای از توابعین، در سطحی وسیع در زندان پخش شد، مسخره تر از آن بود که بتواند بر اذهان رفقای ما تاثیر بگذارد.

حال پرسش های ما این است: سر منشاء این شایعات کجاست؟ چرا چنین شایعاتی پخش می شود؟ آیا خبرهایی از این دست درونمایه سیاست و توطئه ضد انقلابی رژیم را به نمایش نمی گذارد؟ آیا نباید نیروهای انقلابی همه توش و توان خود را متوجه خنثی ساختن دسیسه پردازی های رژیم سازند؟

نیروهای انقلابی باید با هوشیاری از دام هایی که امپریالیسم و ارتجاع در سرراهشان پهن کرده اند، دوری جویند. نباید ناخواسته به اجرای توطئه های امپریالیستی و ارتجاعی علیه جنبش مردم ایران و حزب توده ایران یاری رسانند. با گام برداشتن در راه وحدت عمل باید

به توطئه های امپریالیستی و ارتجاعی پاسخ دندان شکن داد.

هسته های حزبی نیز باید به هوشیاری خود دوچندان بی افزایشند. زیرا در پی گسترش فعالیت هسته های حزبی در داخل کشور و برگزاری پیروزمندانه کنفرانس ملی، بدون تردید دشمن فعالیت های خود را برای مقابله با حزب ما تشدید خواهد کرد.

همچنین به نیروهای انقلابی و مترقی هشدار می دهیم که " وزارت اطلاعات " ج.ا.و در حال پیاده کردن طرح جدیدی برای نفوذ دادن مشتکی جاسوس خودفروخته در درون سازمان های گوناگون است. " وزارت اطلاعات " تلاش می ورزد تا از این راه نه تنها ضرباتی بر پیکر احزاب و سازمان های انقلابی و مترقی وارد سازد، بلکه همچنین به اشکال گوناگون و در جهات مختلف، خواه در درون هریک از سازمان های سیاسی و خواه در مناسبات میان آنها، به خرابکاری سیاسی دست بزند.

جای بسی شگفت و شادمانی است که پیکارگران توده ای دست دشمن را خوانده اند و با رعایت همه جانبه اصول پنهانکاری، به انکاء خلاقیت انقلابی خود، به دور از هرنوع خوشبینی بی جا و بدبینی فلج کننده با این تلاش های ضد انقلابی مقابله می کنند. توده ای ها ضمن رعایت اصل عدم تمرکز در سازماندهی هسته های حزبی، تنها با کسانی ارتباط برقرار می کنند که از آنها شناخت دقیق و همه جانبه دارند و بقول معروف بی گذار به آب نمی زنند. امیدواریم دیگر نیروهای انقلابی نیز با درک عمیق و شناخت زوایای گوناگون توطئه های دشمن، بگونه ای شایسته به رویارویی با آنها برخیزند.

کوینده ترین پاسخ به مجموعه توطئه های ارتجاع و امپریالیسم علیه جنبش و نیروهای انقلابی را با همکاری و تبادل نظر و اطلاعات و سازماندهی مشترک و عمل هماهنگ می توان بی اثر ساخت.

در این شرایط حساس، هر نیروی مترقی و انقلابی که دست اتحاد برای سرنگونی رژیم ولایت فقیه " را پس بزند و به هر دلیل یا در راهی بگذارد که به سر منزل تفرقه و در نتیجه به نوبه خود تضعیف جنبش بیانجامد، فردا باید در پیشگاه خلق پاسخگو باشد.

متحداً به پیش برای سرنگونی رژیم " ولایت فقیه "!

جایی که سبز بجات هم کالای...

شش هزار تومان در ماه درآمد - مبلغی که شاید برای اجاره * یک آپارتمان کوچک کافی نباشد. در مناطق فقیر نشین در جنوب تهران برای اجاره * یک اتاق کوچک ماهانه باید ۸۰۰ تومان پول داد. میوه چنان گران است که حتی یک خانواده * متوسط باید از آن صرف نظر کند. سبز بجات به کالای لوکس تبدیل شده است. قیمت یک کیلو سیب زمینی، خیار یا پیاز، ۴۰ تومان است. برای یک بطری شیر و یک کاسه ماست باید ساعتها جلوی مغازه ها صف کشید.

به نوشته "دی ولت"

"نارضایتی عمومی را در شعارهایی می توان دید که شهپا بر دیوارها نوشته می شود، از جمله "هم میهن بپاخیز! جوانان را از نکبت جنگ رها کن!"



اردوگاه نظامی برای ضدانقلابیون افغانی

در ده کیلومتری جاده بین سمنان، سنگسر و شهمیرزاد، در منطقه‌ای بنام "ملک طیبی" اردوگاه مجهزی برای آموزش نظامی ضد انقلاب افغانستان تدارک دیده شده است. هم اکنون گروهی از اوباشان و راهزنان افغانی که تعداد آنها بالغ بر ۹۶ نفر است در اردوگاه یاد شده مستقر شده و در حال فراگیری فنون نظامی برای خرابکاری علیه افغانستان انقلابی است.

از دانش آموزان راهنمایی به زور خون گرفتند

مسئولان اداره آموزش و پرورش سمنان، دانش آموزان مدارس راهنمایی این شهر را به بهانه تماشای فیلم و اسلاید در مورد جنگ، به محل دبیرستان خمینی آوردند و به زور وادار کردند تا مقداری از خون خود را به "رزمندگان اسلام" اهدا کنند. سن این دانش آموزان بین ۱۲ تا ۱۵ سال است. این کار در شهرهای دیگری نیز انجام و سبب اعتراض خانواده ها شده است.

حمله وسیع به کتاب فروشی ها

اوباشان مستقر در "چادر وحدت" وابسته به "دادستانی انقلاب"، برای چندمین بار کتابفروشی ها و مراکز انتشاراتی را مورد تاخت و تاز قرار دادند. در هجدهم مرداد، قریب به هشتاد نفر تحت سرپرستی یکی از چماقداران و چاقو کشان حرفه ای معروف به "عباس فالانژ"

بازهم مفتربیان

میان مارکسیست - لنینیست ها می دانند که هر پیشنهاد مشخصی هم که پیش کشیده می شود، بگانه کاریابه "مطمئن برای حل عقلانی آن در شرایط کنونی جهان - همزیستی مسالمت آمیز دولتهای دو سیستم متضاد است و در حال حاضر جایگزین دیگری برای آن وجود ندارد.

مارکسیست - لنینیست ها در عین حال معتقدند که حل واقعی و نهایی حادثترین مسائل رشد اجتماعی تنها با پایان یافتن دوران گدار بشریت از سرمایه داری به سوسیالیسم در مقیاس جهانی، امکان پذیر است. اما این روند طبیعی - تاریخی دراز مدت است. مبارزه "طبقاتی و پیشروی گسترده" تمام نیروها و گردانهای آزادی ملی و اجتماعی خلقها و از همه مهمتر مسابقه "دو سیستم جهانی سوسیالیسم و سرمایه داری در عرصه" اقتصادی، پیش شرط ضرور موفقیت امر صلح، دمکراسی و پیشرفت اجتماعی است. در پیوند با این واقعیت، اهمیت مبارزه در عرصه "ایدئولوژیک، نپس از پیش برچسته می شود که چیزها شرکت آگاهانه" توده های میلیونی امکان پیروزی آن نیست. باید کوشید تا شمار شرکت کنندگان در روند تاریخی و فعالیت سیاسی را افزایش داد. نقش ایدئولوژی و اهمیت تئوری علمی رشد اجتماعی که توده ها بتوانند از آن رهنمود بگیرند، اهمیت فوق العاده ای کسب می کند. این نیز فقط در شرایط صلح و همزیستی امکان پذیر است.

ما توده ایها معتقدیم که تنها یک ایدئولوژی می تواند رهنمون عمل و برچمدار آزادی اجتماعی باشد و آن مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری است. درست به همین علت نیز امپریالیسم و ارتجاع، کمونیست ها را آماج اصلی حمله های خویش قرار می دهند. در جهان، مبارزه "ایدئولوژیک حادی میان سوسیالیسم و سرمایه داری،

به کلیه کتابفروشی های حول و حوش دانشگاه تهران هجوم بردند و پس از تفتیش کامل و مورد ضرب و شتم قرار دادن ناشران و کارگران کتابفروشی، تعدادی از کارکنان انتشاراتی را بدون هیچگونه مجوزی دستگیر کردند و تحویل کمیته دادند. مهاجمان با شعارهای "مرگ بر توده ای" و "مرگ بر فدائی" حمله می کردند و به بهانه این که کتابفروشی ها آثار مربوط به حزب توده ایران را می فروشند، خواستار مجازات فروشندگان می شدند. در جریان حمله به یکی از کتابفروشی های خیابان فروردین، به "اتهام" فروش کتاب های رمان و آثار نویسندگان شوروی، کلیه قفسه ها و کتاب ها به غارت رفت و کارکنان کتابفروشی پس از اینکه کتک سختی خوردند به "چادر وحدت" برده شدند. در مجموع خسارت های زیادی متوجه ناشران و کتابفروشی ها شد.

اداره سانسور و وظائف آن

اداره سانسور، موسوم به "اداره بررسی کتاب های منتشره" وابسته به وزارت ارشاد، چندی است که بر میزان فعالیت مخرب خود افزوده و علاوه بر ایجاد محدودیت های بسیار برای ناشران، اقدام به دستگیری ناشران، نویسندگان و مترجمان می کند. بر اساس ضوابطی که از سوی این اداره تعیین شده مراکز مختلف انتشاراتی موظف هستند که پس از اتمام کار چاپ و صحافی کتاب هایی که منتشر میکنند، ۵ نمونه آن را برای بررسی بفرستند. در صورتی که نسبت به آثار فرستاده شده ایرادی گرفته شود، اجازه عدم انتشار آنها صادر می شود. این در حالی است که ناشران متحمل هزینه های سنگین شده اند و بارها اتفاق افتاده که در اثر توقیف یک کتاب، ناشر آن ورشکست و از هستی ساقط شده است. در راس اداره سانسور شخصی بنام "مصطفی تبریزی" قرار دارد که در سال های ۵۹ تا

۶۱ در "دادستانی انقلاب" مشغول "انجام وظیفه" بوده و سابق طولانی در "مبارزه" با نیروهای انقلابی و بویژه توده ای ها دارد. وی در جلسه ای که برای آشنایی ناشران با ضوابط رژیم تشکیل شده بود سخنرانی می کرد گفت:

کتاب هایی که منتشر می کنید باید تلاش کنید که بیشتر "اسلامی" باشد حال ایرانی یا مصری، عربی یا عجم باشد، فرقی نمی کند. حتی المقدور کتاب های خارجی "شرقی و غربی" چاپ نکنید. آنها می خواهند فرهنگ خودشان را القاء کنند. از این به بعد بخصوص آثار نویسندگان روسی و بلوک شرق نباید در کشور اسلامی منتشر شود. به شما توصیه می کنیم که منبع از چاپ آثار نویسندگان کمونیست، خصوصاً رمان و داستان که "نظرات سوء کمونیستی" را القاء می کنند خودداری کنید. در پایان این سخنرانی، هنگامی که شخص یاد شده به سؤال های کتبی حاضران پاسخ می داد، در پاسخ به این سؤال بدون امضاء که نظر شما راجع به چاپ آثار علمی نویسندگان روسی مثل فیزیک و شیمی چیست، گفت: من به این آقا باید جواب بدهم که چرا اصلاً کتاب های روسی را چاپ کنیم؟ مگر خودمان دانشمند کم داریم که برویم (فیزیک و شیمی) کمونیست ها را به بچه مسلمان های خودمان غالب کنیم؟

اتوبوس ها به جبهه میروند

رانندگان اتوبوس های بین شهرها اجبار دارند طبق برنامه ای که برایشان در نظر گرفته می شود به جبهه رفت و آمد کنند. این مسئله سبب کاهش شدید اتوبوس های ترمینال های مسافربری شده و مسافران گاه ناگزیر می شوند که یک هفته تا ده روز در نوبت بمانند. ماندن در نوبت های طولانی، بویژه برای مسافران شیراز و اهواز وازلی به امری عادی تبدیل شده است.

میان جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و امپریالیسم و ارتجاع در جریان است. هر کمونیستی باید جای خود را در این سنگر مشخص کند. وقتی "راه کارگر" ۱۴۶ صفحه "مجله ای را به تهمت و افترا به توده ایها و نهضت کمونیستی ایران اختصاص می دهد و حتی سطر علیها امپریالیسم و ارتجاع حاکم نمی نویسد، پیدا است که به بیراهه می رود. آیا جای تامل و تعجب در این پاره نیست؟ وظیفه ما تکامل خلق مارکسیسم - لنینیسم، پرورش کمونیست ها با روح مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و اشاعه هر چه گسترده "جهان بینی خود در میان توده های وسیع زحمتکشان است. تصور این که در جامعه ما اندیشه های سوسیالیستی رواج گسترده دارد، اشتباه نابخشودنی است. باید نوجه داشت که حتی در شرایط فرماتروائی مناسبات اجتماعی سوسیالیستی، برای دستیابی به پیوند استوار میان توده های مردم و گنجینه "غنی اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم زمان پس طولانی لازم است.

در کشورهایی نظیر ایران که مبارزه برای ریشه کن ساختن پیامدهای رسوخ امپریالیسم و نوآستعمار در دستور روز است، مسائل مربوط به مبارزه "ایدئولوژیک نیز در مرکز حیات سیاسی قرار می گیرد. فعالیت موثر و آگاهانه توده ها برای پیشروی موفقیت آمیز در راه ترقی اجتماعی ضرورت ویژه ای دارد. مسئله "پرورش آگاهی طبقاتی کارگران و بردن اندیشه" رسالت تاریخی این طبقه به درون صفوف آن و مسئله "ترهیت سیاسی توده ها بطور کلی، یکی از مسائل مرکزی مبارزه در راه پیشرفت اجتماعی بشمار می رود.

نتیجه اینکه: دفاع پیگیر از مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و طرده "دشمنان آن وظیفه" انکارناپذیر هر انقلابی واقعی است. ما توده ایها همیشه در این راه پیش خواهیم رفت. "راه کارگر" نیز بهتر است که امکانات انتشاراتی خود را برای افشای دشمنان طبقاتی کارگران و دهقانان بکار گیرد، نه علیه حزب توده ایران. پایان

پخش و تکثیر "نامه مردم" در داخل کشور وظیفه هر عضو و هوادار حزب است!

همبستگی جهانی بامردم...

ایران که چهار سال پی در پی در جبهه های جنگ حضور داشت، درباره جنایت هایی که در جبهه ها مرتکب می شوند گزارش مفصلی داد، سپس یک شاعر و نویسنده پاکستانی که در دانشگاه هامبورگ تدریس می کند و پیتر پورت، شاعر مترقی آلمانی، علیه جنگ شعرهایی خواندند. گروهی از هنرمندان یک قطعه نمایش کوچک درباره جنایت های جنگ به اجرا آوردند و در پایان اولریش تیگلز، خبرنگاری از حزب "سبزها" که بیش از ۲۰ بار در مناطق جنگی دو کشور حضور داشته و اخیرا از ایران و عراق بازگشته بود، درباره وقایع جنگ و دگرگونی های وضع منطقه گزارش مفصلی داد.

در این جلسه به ابتکار کنش کلیسا بحث آزاد در گرفت و قرار بر آن شد که کمیته یاد شده از نیروهای مختلف یاری بخواهند تا جنگ را پایان دهند.

شخصیت های ترقیخواه فرانسوی
خواستار صلح و آزادی برای ایران شدند

ده ها شخصیت سیاسی ترقیخواه فرانسوی طی بازدید از غرفه "نامه مردم" در جشن های تابستانی حزب کمونیست فرانسه، فراخوان های صلح و آزادی برای ایران را امضاء کردند. این جشن های منطقه ای در شهرهای بزانسون، استراسبورگ، گرونوبل، مونپلیه و نیس برگزار گردید در این جشن ها اعضا و هواداران حزب توده ایران با شرکت فعال و برپایی غرفه "نامه مردم" در آنها به پخش بروشور و نشریاتی به زبان فرانسه پرداختند، همبستگی بازدیدکنندگان را با مبارزات مردم ایران برای سرنگونی رژیم چ.ا. طلب کردند و خواستار امضای فراخوان های صلح و آزادی از سوی آنان شدند. در میان شخصیت هایی که این فراخوان ها را امضاء کردند، می توان از آندره لژوانی، عضو هیات سیاسی و رئیس گروه پارلمانی حزب کمونیست فرانسه در مجلس فرانسه، رنه له گوئن، عضو هیات سیاسی و گئی یوسی، شارل کرسا، از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه، ژان ژیار، نماینده مجلس، کلود پواریه، دبیر فدرال کنفدراسیون عمومی کار (ث.ژ.ت) نام برد.

در میان امضاء کنندگان نام ده ها دبیر فدرال حزب کمونیست فرانسه، استاد دانشگاه و شخصیت های دیگر محلی به چشم می خورد. همزمان با این جشن ها سه سازمان حزبی در منطقه لوار با ارسال نامه هایی به حزب ما یاد رفقای شهید ما را گرامی داشتند و با ارسال نامه هایی به سفارت جمهوری اسلامی در پاریس

گزارش فستیوال "لنداوالک"

هفته ساله در کپنهاک پایتخت دانمارک به مناسبت سالگرد انتشار روزنامه "لنداوالک" ارگان مرکزی حزب کمونیست دانمارک، فستیوال باشکوهی برگزار می گردد. این فستیوال نمونه ای از همبستگی پرشور احزاب کارگری و کمونیستی و جنبشهای رهایی بخش است. سازمان حزب توده ایران در دانمارک یکی از شرکت کنندگان این فستیوال است.



امسال به مناسبت ویژه گی اوضاع خاورمیانه و خصوصا وضعیت سه کشور ایران، عراق و ترکیه غرفه بزرگی بطور مشترک به این سه کشور اختصاص داده شد. کمونیستهای سه کشور با کار مشترک خود جلوه ای از همبستگی خلقهای ایران، عراق و ترکیه را به نمایش گذاشتند. از طرف ایران، سازمان حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در دانمارک با ارائه کار مشترک افشاگر رژیم ارتجاعی ایران بودند. برنامه ایران علاوه بر عرضه مواد تبلیغی افشاگرانه، شامل سخنرانیهای درباره جنگ، وضع ژندانبان سیاسی، وضع زنان و اوضاع اقتصادی - اجتماعی ایران بود. همچنین آقایان ویلسیکورس شهردار سابق کپنهاک و رئیس کمیته همبستگی برای صلح و دمکراسی در ایران و عراق، شخصیت مردمی دانمارک و عضو حزب سوسیالیست چپ و نیز آقای کلاوس لارس کارشناس مسائل خاورمیانه سخنرانیهای درباره اوضاع ایران و جنگ بین ایران و عراق ایراد کردند. از طرف هر سه کشور برنامه های هنری عرضه گردید.

همکاریهای رفیقانه توده ایها و فدائیان در طول فستیوال بیانگر اراده خلل ناپذیر کمونیستهای ایران در راه وحدت جنبش کارگری و کمونیستی ایران بود.

نسبت به تعقیب، دستگیری، شکنجه و اعدام اعضا و هواداران حزب توده ایران و سایر نیروهای انقلابی از سوی رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی شدیداً اعتراض کردند.

اعدام سه تن از میهن دوستان
افریقای جنوبی

روز ۹ سپتامبر دولت نژادپرست افریقای جنوبی سه تن از پیکارگران عضو "کنگره ملی افریقای جنوبی" را اعدام کرد. این میهن پرستان بخاطر شرکت در مبارزه مسلحانه برضد نظام ضد بشری نژادپرستی به دار آویخته شدند.

اند ریوزوندون، میهن پرست ۲۰ ساله، پیش از اعدام خطاب به جلادان خود گفت:

"رفقای ما مبارزه عادلانه ای را که ما در راه آن جان خود را از دست می دهیم، ادامه خواهند داد. مبارزه با تبعیض نژادی تا پیروزی نهایی ادامه خواهد داشت."

پیش از اعدام میهن پرستان، "جبهه متحد دمکراتیک"، بزرگترین سازمان علنی مخالفان، خواستار الغای احکام اعدام آنها شد.

این سازمان خاطرنشان ساخت که اجرای احکام اعدام تنها به تشدید وخامت در کشور می تواند منجر گردد. در عین حال نمایندگان کشورهای افریقایی در سازمان ملل متحد، طی اعلامیه ای از شورای امنیت خواستند تا مانع اجرای اعدام گردند. ولی در هنگام مشورت میان اعضای شورای امنیت، حامیان رژیم نژادپرست افریقای جنوبی، یعنی ایالات متحده آمریکا و بریتانیا با تصویب چنین فراخوانی آشکارا مخالفت کردند و بدینسان بار دیگر نشان دادند که دولت های امپریالیستی دوشادوش دولت نژادپرست مسئول تبهکاری هایی هستند که هر روز در افریقای جنوبی روی می دهد.

حزب توده ایران ضمن پشتیبانی پرشور از مبارزه برحق و عادلانه خلق افریقای جنوبی، به رهبری "کنگره ملی افریقای جنوبی" تبهکاری اخیر نژادپرستان و حامیان امپریالیستی آنها را شدیداً محکوم می کند.



درباره گزارش های سالگرد اول ماهمه

گزارشهای زیادی در ارتباط با شرکت سازمانهای حزبی خارج از کشور در مراسم سالگرد اول ماه مه، به دفتر "نامه مردم" رسیده که نشانگر فعالیت پیکارجویانه اعضا و هواداران حزب ما در این کشورها، در دفاع از منافع پرولتاریای جهان و به ویژه طبقه کارگر کشورها است. متأسفانه به دلیل تراکم مطالب، انعکاس این گزارشها در "نامه مردم" ممکن نشد. از این بابت متأسفیم و از این گزارش دهندگان پوزش می طلبیم.

NAMEH
MARDOM
NO. 121

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

25 September 1986

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است